

سرشناسه: ابراهیمیان، بابک
عنوان و نام پدیدآور: طراحی برای تئاتر: (پشت صحنه همراه با برجسته‌ترین طراحان صحنه، نور و لباس) / نوشته بابک ابراهیمیان. ترجمه سلما محسنی‌اردهالی.
مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز هنرهای نمایشی، انتشارات نمایش، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۷۴ ص:، مصور (رنگی).
شابک: 978-600-5765-52-6

یادداشت: عنوان اصلی:

Theatre Design: behind the scenes with the top set, lighting, and costume designers. 2006.

موضوع: تماشاخانه‌ها - - صحنه‌آرایی و دکور
موضوع: پوشاک - - طراحان
موضوع: صحنه‌پردازان
شناسه افزوده: محسنی‌اردهالی، سلما مترجم
شناسه افزوده: ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. مرکز هنرهای نمایشی. انتشارات نمایش
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۲ الف ۲ ص / PN ۲۰۹۱
رده‌بندی دیویی: ۷۹۲/۰۲۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۷۸۲۳۵

نمایش

طراحی برای تئاتر (۴۰۴)

نویسنده: بابک ابراهیمیان

مترجم: سلما محسنی

ناشر: انتشارات نمایش

گرافیک: بهرام شادانفر

حروفنگار: شیما تجلی

ویراستار: شیرین رضاییان

تیراژ: ۲۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۶۵-۵۲-۶

مقدمه نویسنده	۸
مقدمه مترجم	۱۰
۱- جان لی بیٹی طراح صحنه	۱۱
۲- هاول بینکلی طراح نور	۲۷
۳- جان کانکلین طراح صحنه و لباس	۳۵
۴- بورلی امونز طراح نور	۴۵
۵- سوزان هیلفرتی طراح لباس	۶۱
۶- کانستنس هافمن طراح لباس	۷۷
۷- مینگ چولی طراح صحنه	۹۱
۸- آدریان لوبل طراح صحنه	۱۱۳
۹- سانتو لوکاستو طراح صحنه و لباس	۱۲۵
۱۰- جنیفر تیتون طراح نور	۱۳۷
۱۱- جرج تسی بین طراح صحنه	۱۴۹
۱۲- رابرت ویلسون طراح صحنه و نور	۱۶۵

صحنه چه بزرگ و چه کوچک، چه در دنیای نمایش شرق و چه در جهان نمایش غرب، مصداق بی‌تردید آن چیزی است که چخوف در مورد داستان گفته است: داستان آینه‌ای است که در خیابان قدم می‌زند. به عبارت رساتر صحنه همان آینه است، آینه‌ای که زمان را و اندیشه را و تحول و ترقی و تنزل مقام یا عروج و اوج گرفتن انسان را به نمایش می‌گذارد. آینه‌ای است جادویی که گاهی به اقتضای مکانی که در آن قرار گرفته است، مجلل یا کوچک و ساده و بی‌آلایش است. اما همین صحنه کوچک در نتیجه اشراک و وحدت میان کارگردانی و طراحی صحنه به چنان مکان باشکوهی مبدل می‌شود که تماشاگر فراموشش می‌شود که کجا نشسته است: در بالشوی تئاتر مسکو یا در گوشه‌ای از آوینیون؛ در تئاتر شهر تهران است یا در ویرانه‌ی دوباره آباد شده‌ای در جنوب تهران؛ در فرهنگسرای بهمن به هنگام دیدن بینوایان. طراحی صحنه ابتدا جزئی از وجود درام نویس و سپس جزئی از وجود کارگردان بود و به تدریج با برافراشتن علم استقلال و ظهور ارزشش این بار به یاری نویسنده و کارگردان آمد تا بار دیگر ثابت کند به رغم استقلال نظر می‌تواند و باید در خدمت اندیشه‌ی حاکم بر یک اثر و در خدمت اندیشه‌ی کارگردان و تفسیر او از یک اثر باشد. با این مقدمه‌ی نسبتاً مفصل می‌خواهم بگویم که هر چه از طراحی صحنه بگوییم و بگویند، ناگفته‌هایی هستند و می‌مانند که باید کسی یا کسانی از آن بگویند و بنویسند. به همین دلیل سلما محسنی اردهالی با ترجمه‌ی طراحی برای تئاتر گامی در جهت بیان ناگفته‌های طراحی صحنه برداشته است و به رغم آنکه اصل کتاب خصلت محاوره‌ای دارد و از نمی‌توانسته است لحن را به زبانی آکادمیک نزدیک کند، اما این امر مانع مفید بودن این ترجمه نشده و از این رو خوانش آن را می‌توان به همه‌ی دانشجویان رشته‌ی تئاتر و حتی سینما و کارگردان‌های حرفه‌ای توصیه کرد چرا که طراحی که در گفت‌وگوی صمیمانه و خودمانی مؤلف: بابک ابراهیمیان شرکت کرده‌اند از تجاری سخن گفته‌اند که برای آنها که شیفته نشدن و آموختن، بسیار آموزنده است. به اضافه‌ی همه اینها نمی‌توانم شادمانی‌ام را از رشد و تکامل یکی از اعضای برجسته‌ی گروه تئاتر عروسکی آران پنهان کنم؛ سلما محسنی اردهالی به موازات تلاشش در حوزه‌ی اجرایی: نویسندگی، کارگردانی و بازی‌هایندگی، سخت‌کوشانه به ترجمه‌ی مقالات و کتاب‌هایی می‌پردازد که بی‌تردید در غنی‌سازی فضای تئاتر و تئاتر عروسکی ما مفید و مؤثرند و جا دارد به سایر دوستانم توصیه کنم که چون سلمای عزیز باشند؛ کوشند و تلاشگر و باز به تعبیر چخوف: همیشه دانشجو.

بهروز غریب‌پور

«بابک ابراهیمیان» فارغ التحصیل کارشناسی ارشد کارگردانی و دراماتوزی و دکترای تخصصی تئاتر و سینما از دانشگاه استنفورد است. کتاب نخست وی «تئاتر سینمایی»^۱ فضای تئاتر و صحنه‌ای را از نزدیک مورد بررسی قرار می‌دهد و به دنبال این است که چگونه این فضا توسط زیبایی‌شناسی و فیلم می‌تواند به فضایی سینمایی - تئاتری بدل شود.

وی به عنوان یک دانش‌آموخته‌ی کارگردانی، با طراحان آمریکایی بسیاری کار کرده و بسیاری از صحنه‌هایش را نیز خودش طراحی کرده است. وی علاوه بر تدریس تئاتر و سینما در دانشگاه‌های استنفورد و کلمبیا، مهمان تئاترهایی چون داچز، شوبون و ووپرتال دانز تئاتر^۲ در آلمان و تئاتر خورشید منوشکین در فرانسه بوده است.

1. The Cinematic Theatre (Scarecrow press-2004)
2. Wuppertal Danztheater

هیچ چیز همچنان انگیز تر از انجام یک کنش و خلق یک جهان نیست. شما به یک فضای خالی نور می تابانید و ناگهان شکل یا فرمی متولد می شود. از میان پنجره به بیرون می نگرید و هزاران نفر را با لباس های گوناگون در رفت و آمد و رد شدن از خیابان می بینید. در کافه یا رستورانی می نشینید یا به آسمان و دنیای ستارگان می نگرید و جهانی شکل را درک می کنید که برای ما طراحی شده است. صرف نظر از طبیعت خلق آن جهان - طبیعی یا ساخته دست بشر - و زمان خلق آن، چشمان شما به هر کجا می نگرند، فضا، زمان و جهانی طراحی شده را می بینند.

صحنه ی تئاتر یا اپرا نیز جدا از این نیست. تخیل به عنوان یکی از امکانات ذهن بشر، به او برای ساختن، شکل دادن و حجم بخشیدن به فضاها، اشکال و فرمها یاری می رساند. فرایند این خلقت و درک نهایی آن، چیزی است که معمولاً به آن طراحی می گویند. دنیای طراحی در تئاتر و اپرا بسیار گسترده و بی نهایت است. هر طراح برای هر نمایشنامه، دست آورد، دیدگاه، سبک و فرایند مخصوص به خود را دارد. براساس قوانین وضع شده ی زیبایی شناسی، هیچ دو طراحی شبیه به هم نیستند و طراحی هاشان برای همیشه با فضای بی مانند خودشان ماندگار خواهد ماند.

هدف این کتاب، تأکید و برجسته ساختن طرح ها و طراحان مهم جهان امروز تئاتر و اپرا است. هر کس به این هنرها عشق می ورزد، نمی تواند نسبت به طراحی آنها حساس نباشد. این طراحی است که - همراه با بازیگران - فضا را پر می کند و داستان را روایت می کند. «شکسپیر» یا «بکت»، «موتزارت» یا «واگنر»، بزرگ یا کوچک، ساده یا پیچیده، فضای صحنه به طراحی نیاز دارد و طراحان نیز به اندازه بازیگران، روایان داستان هستند. بدون طراحی، کارگردانان، تهیه کنندگان و بازیگران نمی توانند به داستان شکل دهند و به آن زندگی ببخشند. خلاصه اینکه طراحی، برای خلق، انجام کنش و روی صحنه آوردن هر نمایشی ضروری است. «هملت» برای استادان به مکان و فضا نیاز دارد. او لباس نیز می خواهد و سرانجام اینکه او باید دیده شود.

حال، چگونه باید به این مسایل پرداخت؟ طراحی صحنه، لباس و نور پاسخ های صحیح این سؤال هستند؛ اما روند تفکر درباره ی آن دقیقاً چگونه است؟ طراحی چگونه انجام می شود و به روی صحنه جان می گیرد؟

با نگاهی به گذشته و نیمه ی قرن بیستم، درمی یابیم که بسیاری از کارگردانان و طراحان برجسته، همکاری نزدیک و تنگاتنگی با یکدیگر داشته اند: «برتولت برشت» و «کاسپار نهر»، «جورجو استرلر» و «لوچیانو دامیانی»، «هاینر مولر» و «اریک واندرا». گاه کارگردانان، خود طراح هم هستند مانند «رابرت ویلسون». در موارد دیگر نیز گاه طراح فقط برای تئاتر و اپرا طراحی نمی کند، بلکه طراح صحنه ی سینما نیز هست مانند «سانتو کاتانو» که در بسیاری از فیلم های «وودی آلن» به عنوان طراح همکاری داشته است. زاویه نگاه به مسئله مهم نیست، مهم این است که تمام تولیدات بزرگ و به یاد ماندنی تئاتر و اپرا، نتیجه همکاری موفقیت آمیز با طراحان است.

بسیاری از طراحان در آن سوی صحنه به تدریس و تعلیم در بسیاری از بهترین مدارس طراحی نیز مشغول هستند، آنها به تربیت نسل آینده طراحان می پردازند. تنها دو نمونه ی آن «مینگ چولی» استادیار دیپارتمان طراحی در مدرسه هنرهای دراماتیک بیل و «سوزان هیلفرتی» استاد برنامه طراحی در مدرسه هنرهای تیش در دانشگاه نیویورک هستند.

روند طراحی چگونه است؟ نقطه ی شروع کجاست؟ طراحان چگونه می اندیشند؟ چگونه دیدگاه و تفکراتشان را در فضای سه بعدی عملی می کنند؟ و تدریس و تفکر در برنامه ها و کلاس های پیشرفته ی طراحی چگونه است؟

با نگاه به دنیای تصویری طراحی صحنه، از طراحان برجسته در زمینه‌های طراحی صحنه، نور و لباس، درباره دیدگاه، رویکردها و تفکراتشان درباره‌ی طراحی سؤالاتی پرسیده شده است. گفت‌وگوهایی که از پیش روی‌تان خواهد گذشت، همه براساس ساختار و پرسش‌های یکسان شکل گرفته‌اند و به هر طراح اختیار کامل داده شده تا هر گونه می‌خواهد پاسخ دهد. هر مصاحبه با سؤالی مشابه آغاز شده است: نقطه شروع طراحی برای شما کجاست؟ و چه عناصری یک طراحی خوب را می‌سازند؟

سپس سؤالات دقیق‌تری از آنان پرسیده شده است مانند: «شما چگونه هملت یا در انتظار گودو را طراحی می‌کنید؟» و از طراحانی که مدرس نیز هستند خواسته شده تا رویکردها و دیدگاه‌شان را در طراحی توضیح دهند. خواننده با نگاهی به مصاحبه‌ها درخواهد یافت که چگونه طراحان گوناگون در طول نسل‌ها روی یکدیگر تأثیر گذاشته و مفاهیم را منتقل کرده‌اند.

هر یک از طراحان، دریافت، روش و دست‌آوردهای خود در طراحی را توضیح داده‌اند و هر کدام را با حکایات و مثال‌هایی همراه کرده‌اند تا جهان طراحی خود را برای خواننده ملموس‌تر سازند.

گاه طراحان به ارتباط میان صحنه، نورها و لباس‌ها و چگونگی تعادل و تأثیر متقابل این عناصر گوناگون بر یکدیگر پرداخته‌اند. برخی از تغییرات اساسی که از روزهای آغازین کارشان تاکنون داشته‌اند صحبت کرده‌اند و برخی دیگر تفاوت‌های میان کار با کارگردانان اروپایی و آمریکایی و دیگران را بیان کرده‌اند. هر طراح نوع بیان و حیطه مهارت‌های خود را به این کتاب آورده و آنها را روشن و دست‌یافتنی ارایه کرده است.

دیدار با این طراحان و بررسی اجمالی چگونگی کار و تفکر آنها، افتخار عظیمی برای من بود. در بیشتر موارد، مصاحبه‌ها به سرعت به یک رویارویی و تبادل نظر قابل توجه بدل می‌شد، تا آنجا که طراحان زاذانه و از سر لطف در مورد هنر، ابزار و فلسفه‌ای که در پس طراحی‌هایشان نهفته است، بحث می‌کردند. من همواره از تمامی طراحانی که در این کتاب با آنها به گفت‌وگو نشست‌ام، برای زمانی که گذاشتند و با رضایت خاطر به بحث درباره‌ی درکشان از طراحی و فرایند آن پرداختند سپاسگذار خواهم بود:

«جان لی بیٹی»، «هاول بینکلی»، «جان کانکلین»، «بورلی امونز»، «سوزان هیلفرتی»، «کنستانس هافمن»، «مینگ چولی»، «آدریان لوبل»، «سانتو لوکاستو»، «جینیفر تیتون»، «جورج تسی‌پین» و «رابرت ویلسون». بدون همکاری سخاوتمندانه آنها این کتاب وجود نداشت.

همچنین از بنیاد «بیردهافمن»، «اپرای متروپولیتن»، «اپرای سان فرانسیسکو» و «کمپانی تئاتر شگسپیر» که تصاویر کتاب را در اختیارم گذاشتند؛ «اتسا مشفق» و «سیمونا اشنایدر» برای کار روی دست نوشته‌ها؛ و «الکس یانگ» برای حمایت از پروژه، کمال تشکر را دارم. همچنین می‌خواهم از «لیندی دانلوپ» و «ویراستارم در انتشارات روتو ویژن» برای همکاری و راهنمایی‌هایش در طول انجام پروژه تشکر کنم که البته کمک‌ها و پیشنهادات ارزشمند وی وصف ناپذیر است. این کتاب را به «استر» تقدیم می‌کنم.

کتاب طراحی برای تئاتر شامل تعدادی گفت‌وگوست؛ گفت‌وگو با بزرگترین طراحان صحنه، لباس و نور در تئاترهای برادوی، آف برادوی، وست‌اند و بسیاری مکان‌های دیگر از سراسر دنیا. آنها از روش کار و فراز و نشیب‌های دوران کاریشان می‌گویند. زبان برخی شیرین، برخی تلخ و گزنده، برخی آکادمیک و بعضی عامیانه است اما همه از یک چیز می‌گویند: فرایند طراحی برای یک نمایش...

خوانش این کتاب برای من تجربه‌ای شیرین بود، از آن بسیار آموختم و تصمیم به ترجمه‌ی آن گرفتم. نویسنده‌ی کتاب و در واقع طراح گفت‌وگوها «بابک ابراهیمیان» است که همانگونه که در شرح حال کوتاه ایشان در این کتاب ملاحظه می‌کنید، در زمینه‌ی تئاتر و سینما و ارتباط این دو، سال‌ها تحصیل و کار کرده و تالیفاتی نیز در این زمینه دارد. ابراهیمیان که ابتدا یک توضیح و شرح حال کوتاه از هر طراح ارائه می‌دهد، روش هوشمندانه‌ای را در طرح سؤالات برای طراحان در پیش گرفته است. وی موضوعات مشترکی را در گفت‌وگوها گنجانده تا از میان آنها بتواند دست به پژوهش نیز بزند و طرز تفکر و روش طراحی هر طراح را برای یک متن نمایشی مشخص، برای خواننده آشکار کند. بسیار تلاش کردم تا به نحوی بابک ابراهیمیان را پیدا کنم؛ بیشتر از طریق جست‌وجو در اینترنت. اما هرچه بود تنها شرح حال و تالیفات ایشان بود و متأسفانه نشانی اینترنتی، سایت یا ایمیل درستی حتی در سایت دانشگاه‌هایی که تدریس می‌کنند، نیافتم. در حقیقت هدفم صحبت و کسب اجازه برای ترجمه و مشورت و راهنمایی گرفتن بود و از اینکه نتوانستم ایشان را بیابم و اجازه‌ی ترجمه را بگیرم افسوس می‌خورم.

البته به گمانم اگر این ترجمه گوشه‌ای از فعالیت‌های پژوهشی وی را برای طراحان، پژوهشگران و دانشجویان آشکار کند و به آشنایی آنها با شخص بابک ابراهیمیان و طراحانی که در جهان بسیار مشهورند اما نامی از ایشان حتی در فضاهای آموزشی و دانشگاهی ما نیست بیانجامد، ایشان راضی خواهد بود و ما قدم درستی رو به جلو برداشته‌ایم.

در ترجمه کتاب ابتدا از سینا ییلاق‌بیگی ممنونم که مشوق و پی‌گیر کار بود و تمام متن ترجمه شده را خواند و به نوعی ویرایش کرد. از استادام بهروز غریب‌پور متشکرم که با تمام مشغله و گرفتاری کتاب را بازخوانی کرد و مشکلات کار را تذکر داد و مقدمه‌ای نیز بر کتاب نوشت که برای من افتخار بزرگی است. از همکارانم در مجله‌ی پیلان انیمیشن ممنونم که در کنار کارهای فراوان نشریه، زحمت تایپ دست‌نوشته‌های مرا به عهده گرفتند. و از دکتر محمدحسین ناصرخت و نصرالله قادری متشکرم که از ترجمه و چاپ کتاب حمایت کردند. ترجمه این کتاب را به همسرم سینا ییلاق‌بیگی تقدیم می‌کنم.